دنیا به روایت تصویر

برخورد امواج سهمگین با خط ساحلی دریا در انگلیس، عکس از تلگراف

طراحی اتاقی جالب به نام «در حضور بی‌نهایت رنگ» توسط هنرمند ژاپنی، عکس از خبرگزاری فرانسه

عبور دسته جمعی خرچنگ‌ها به سمت ساحل برای تخم‌ریزی در دریای کوبا، عکس از رویترز

۳ نقطه

به مناسبت روز ایمنی حمل و نقل

## دور دنیا

### علاقه عجیب زن جوان به رتیل!

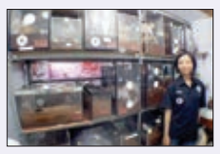

**دیلی میل/** اغلب مردم حتی از فکر کردن به رتیل هم می‌ترسند اما «مینگ سو» زن ۲۸ ساله اندونزیایی آن قدر شیفته این جانور است که کلکسیون رتیل و عنکبوت جمع می‌کند! او از هشت سال پیش شروع به جمع‌آوری رتیل کرده و تاکنون بیش از ۵۵ هزار دلار هزینه مجموعه ۱۵۰۰ عددی رتیل‌هایش کرده است و همه آن‌ها را در خانه‌اش نگهداری می‌کند! در طول این هفت سال او ۱۴ بار توسط حیوانات خانگی‌اش گزیده شده است!

### دختری که از روز دوازدهم تولدش خاطره دارد!

**بوردپاندا/** «ربکاشاروک» دختر ۲۷ ساله استرالیایی دچار نوعی بیماری به نام HSAM است که باعث می‌شود او تمام لحظه‌های زندگی‌اش از بدو تولد را با جزئیات کامل و واضح به خاطر داشته باشد. در دنیا بین ۶۰ تا ۸۰ نفر به این سندروم مبتلا هستند.
او به راحتی تمام جزئیات ۱۲ روز بعد از تولدش و عکسی را که پدر و مادرش از او گرفتند به خاطر دارد! او می‌داند که وقتی ۱۸ ماهه بود، چه رویایی در سر داشت!

### مادر یتیمان هندی

**آدیتی سنترال/** «سینهوتای ساپکال» زن ۶۸ ساله هندی یکی از محبوب‌ترین افراد در میان هندی‌هاست. او تاکنون برای بیش از ۱۴۰۰ کودک یتیم که در خیابان‌ها و زباله‌های شهر رها شده بودند، نه تنها خانه و سر پناه تهیه کرده است بلکه لذت زندگی با عشق در کنار خانواده را هم هدیه داده است. از میان این کودکان عده زیادی استاد دانشگاه و دکتر و مهندس شده‌اند. او چهار پرورشگاه ساخته است که کودکان با بهترین امکانات و در کنار دلسوزترین و مهربان‌ترین مربیان در آن پرورش پیدا کرده‌اند.

### هنرمند خلاق!

**تاکسل/** «بی مور» هنرمند سیاه‌پوست آمریکایی برای این که خلاقیت خودش را در خلق آثار هنری نشان بدهد، طراحی‌های بی‌نظیری با سیم به کمک سیم‌های برق آویزان در شهر کرده است. مجسمه‌هایی که او از سیم‌های تلفن ساخته است، در سراسر شهر «بالتیمور» از چراغ راهنمایی و سیم‌های فشار قوی آویزان شده و منظره جالب و زیبایی به شهر داده است. پسرک آویزان شده، کفش‌های آویخته شده و دختر کی روی تاب از جمله طراحی‌های اوست.

- من اگر کاره‌ای بودم، تعطیلات نوروز و تابستون رو برمی داشتم به جاش اردیبهشت رو تعطیل می‌کردم. حیف این ماه زیبا که با استرس میان‌ترم و سمینار می‌گذره!
- دقت کنین مگس‌ها نوبت صبح کار می‌کنن، اون وقت پشه‌ها شب کارن!
- طرف پول تو جیبی‌که از باباش می‌گیره، ۳ برابر حقوق منه. بعد توی اینستا پستِ تلاش برای مثبت اندیشی می‌ذاره!
- صدا و سیما پر شده از این برنامه‌های آموزشی واسه کنکور و تست زدن، ولی تاحالا یک برنامه نساختن که بپرسه واسه‌چی می‌خوای بری دانشگاه؟ فکر می‌کنی چه خبره؟
- الان اگر بگی من از تخمه ژاپنی بدم میاد، بعضی‌ها میگن تو از بادوم هندی‌ها پول گرفتی که این حرف رو بزنی!
- بعضی حرف‌ها رو باید بخوری با اسید معده حل شه، بره هیچی از شون باقی نمونه.
- تنها خوبی اومدن محصولات و فناوری‌های جدید برای ما اینه که قبلی‌ها ارزون‌تر می‌شن!
- مهندسین عزیز، اگر دنبال شغل مناسب هستید هفت تومان بدید یه پراید ۸۲ بگیرید من توی آژانس مهندسین پارتی دارم.
- مادرم وقتی جارو می‌کشه اگه جلوشو نگیری کل قاره‌آسیا رو جارو می‌کشه!
- دیروز تو مغازه لباس فروشی یه خانمی به فروشنده می‌گفت: «من همین رو تو اینیستا دیدم ۷۵ تومان». یعنی آندرس اگه اینو می‌شنید یه شبه ۱۰ سال پیر می‌شد.

Like Comment

## کله چغوکی

### آق کمال منت می‌کشد

توای مدت زندگی مشترک تا حالا با کاملیاخانم قهر نکرده بودُم. البته بحث کرده بودِم و یکی دو مورد دلخوری داشتِم که نیم ساعته حل و فصل رفت، ولی قهری که قهر باشه، نداشتِم! تا شنبه همی هفته... از هفته پیش عیال مگفت‌ای چند روز تعطیلی ره مرخصی بیگیر، یَگ سفری بِرم باد به سرمان بخوره. مویم مگفتُم: «مو که مرخصی‌هام دست خودمه، شما باید داروخَنه ره بسپرن دست کسی تا بِتنم بِرم.» مگفت: «تو قطعیی کن، اون کاری نداره» مویم همیجور معطل مانده بودُم که خبر بده کی بِرم. مپرسیدُم کجا بِرم؟ مگفت: «فرقی نمی کنه» مگفتُم: «بِرم کیش؟» مگفت: «گرونه تو این تعطیلی‌ها، نمی‌صرفه» مگفتُم: «برم شمال؟» مگفت: «شلوغه تو این تعطیلی‌ها، همش باید تو جاده باشیم.» مگفتُم: «خب برم همی شهرهای دورو بر؟» مگفت: «این که اسمش مسافرت نیست!» مات مانده بودُم که‌چی‌جوری هم بِرم مسافرت، هم گیرون نباشه و شلوغ نباشه و دور نباشه و نزدیک هم نباشه! گفتم خودش هرجا ره خواست پیشنهاد مِده.
هفته جدید رسید و هنوز دو به شک بودِم که کجا بِرم تا ظهر رفتُم خانه و دیدُم دهنشه وا نمکنه! گفتُم اِنا حالا خوب رفت! سر ناهار تا جایی که مِتنستُم از غذا تعریف کردُم، نشد. عصر گفتُم برم جنت یَگ دوری بزنم، باای که عاشق او طرفایه ولی قبول نکرد. شب یَگ فیلم جدید گذاشتُم، باای که هنرپیشه‌اش ره دوست دِره، ولی رفت خوابید! همی‌جور انگشت به دهن مانده بودُم که خب‌چی کار رفته که ایجوری مُکنه، عقلُم به جایی قد نِمداد.
صبح براش‌نامه فدایت شوم نوشتُم و رفتُم. وسط روز بهش زنگ زدُم، خیلی خشک جواب داد. ظهر گل خریدُم آمدُم خانه. دیدُم نه بابا، ای‌جوری که نِمشه. سر ناهار گفتُم: «مِشه بگِن‌چی خطایی ازم سر زده که دو روزه دهن بستِن؟» اولش که پشت چشم نازک کرد، بعد گفت: «هفته داره تموم میشه، ازت یک مسافرت خواسته بودم‌ها!» گفتُم: «خب قربونتان برُم، مو که هرچی گفتُم، شما یَگ لُقی توش درآوردی، خودت بگو کجا برم، همی الان ورمِخزُم.» یَگ‌کم مکث کردُم و به بشقابُم نگاه کردُم و گفتُم: «البته غذامه مخورُم، بعد ورمِخزِم!» نتِنست جلوی خنده‌شه بیگیره، پقی زد زیر خنده. گفتُم: «اِنا حالا خوب رفت! چی عجب خنده شما ره دیدِم؟ حالا کجا برم؟» گفت: «نمی‌دونم، یه جایی بریم دیگه!» خدا پشت و پناه آقای صالح علا باشه با او کتاب «تمامی آن‌چه که مردان در باب زنان می‌دانند» که ۱۱۰ صفحه سفید چاپ کرده!

آق کمال

## ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* به نظرم پرونده تون درباره روز سلامت، ضعیف‌ترین پرونده زندگی سلام بود که از ابتدای فعالیت‌اش که من خواننده‌اش هستم، چاپ شده. تو رو خدا حواس تون باشه، دنده عقب نرین.
مجید، تهران
* خوشحال شعرت خیلی باحال بود! کمه یا بازم تعریف کنم از شعرت؟!
مریم رضایی، فریمان
* اون موردی که گفتین ظروف رو آویزون کنید، در ایران با این همه گرد و خاک مگه میشه؟
* یک پیشنهاد داشتم برای پرونده هاتون درباره سبک زندگی مردم در کشورهای مختلف که می‌نوشتید بیشتر کنین. خیلی دوست دارم از هلندی‌ها بدونم.
* جواب خفن استریپ ۱۵۰ چی شد؟ من ندیدم.
**ما و شما:** ضمن عذرخواهی، امروز در پایان همین ستون، پاسخ مسابقه قبلی رو چاپ می کنیم.
* لطفا به جای قسمت دور دنیا، بخشی به عنوان رکوردهای گینس قرار بدید. تنها بخش همشهری سلام که مطالعه نمی کنم، دور دنیاست.
* شکل مسابقه «این کیه؟»تان، یک پازل کم داشت.
* همراه و هم نفسم معصومه جان، دو سال لحظه لحظه کنارت نفس کشیدم و سلول سلول جوان شدم. می‌دانم که می‌دانی بودنت تنها بهانه من است برای زندگی. دستانم را محکم‌تر از قبل بگیر که بودنت را سخت محتاجم.
همراه و هم نفست رضا
* می خواهم تولد دختر گلم بهاره جان در ۵ اردیبهشت و عید مبعث رو بهش تبریک بگم. دوستت دارم. مامان همیشه به یادت هست.
**ما و شما:** ببخشید که دیرتر چاپ کردیم. پیامک زیاد است اما تلاش می کنیم، همه را به نوبت چاپ کنیم و گاهی، کمی دیر می‌شود.

**پاسخ خفن استریپ شماره قبل: دادرسی - سمبوسه - آب دیده**

**ما که حل کردیم ولی چرا «آبدیده»؟**

سلام. از شماره ۰۹۱۵۳...۶۶۹ برامون پیامک زدن که:
«پاسخ مسابقه ۱۵۱: دادرسی؛ سمبوسه؛ آبدیده. حالا ماکه حلش کردیم ولی چرا آبدیده؟»
در پاسخ ایشون و دیگر دوستانی که نسبت به «خفن استریپ» ممکنه هنوز خیلی توجیه نباشن عرض شود که:
اون شیر آبی که آبدارچی داشت در تصویر ازش لیوان ها رو پُر می کرد و به دیگران تعارف می کرد به شکل حرف d (دی انگلیسی) بود. بنابراین اونا که توی لیوان بود «آب دی» بود. و آبدارچی که بهش فلش خورده بود، «آبدی ده» بودیعنی «آبدی» دهنده بود!
وای! یعنی تاحالا خفن استریپ رو این مدلی برای کسی توضیح نداده بودم! اونم مکتوب! واسه خودمم جالب بود.
وب سایت 1sargarmi.ir بخشی برای گفتگو داره که می تونین این سوالاتون رو اونجا از «حرفه ای ها» بپرسین. فعلا!

## مسابقه شماره ۱۵۲

1sargarmi.ir

اسپریت خفن

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

**با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!**

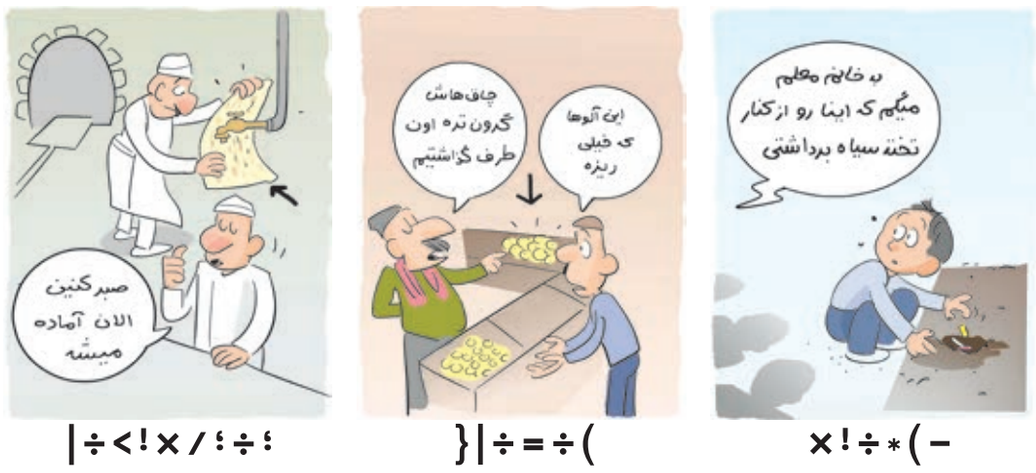


## در محضر بزرگان

### بهترین نیت برای انجام کارهای خوب

حجت‌الاسلام عابدینی درباره تاثیر نیت در اعمال انسان گفته‌اند:
هر زمانی که عمل نیکی را انجام می‌دهیم، حالمان باید این گونه باشد که خدایا دوست داشتم آن را به بهترین وجه انجام دهم؛ اگر انسان عمل خود را با این نگاه باز بگذارد، جزای آن به بهترین نحوی که محقق می‌شد، خواهد بود زیرا خداوند در سوره نور، آیه ۳۸ می‌فرماید: «تا خدا بهتر از آن‌چه کردند پاداش‌شان دهد و از کرم خویش افزون‌شان کند و خدا هر که را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.» بدانیم که در این عالم با خدا طرف هستیم؛ به او بگوییم که من نیت بهتری برای تو داشتم ولی به همان اندازه از من برآمد؛ این کار باعث می‌شود که هم مغرور نشویم و هم انسان و عملش ساقط نمی‌شود و به خود او هم رشد می‌دهد.
منبع: تارنمای سمت خدا

## زندگی بزرگان

### انصاف ستودنی شیخ رجبعلی خیاط

شیخ در گرفتن اجرت برای کار خیاطی، بسیار با انصاف بود. به اندازه‌ای که سوزن می‌زد و به اندازه کاری که می کرد مزد می‌گرفت. به هیچ وجه حاضر نبود بیش از کار خود از مشتری چیزی دریافت کند. یکی از روحانیون نقل می کند که: عبا و قبا و لباده‌ای را بردم و به جناب شیخ دادم بدوزد، گفتم چقدر بدهم؟ گفت: دو روز کار می‌برد، ۴۰ تومان. روزی که رفتم لباس‌ها را بگیرم گفت: اجرتش ۲۰ تومان می‌شود. گفتم: فرموده بودید ۴۰ تومان؟ گفت فکر کردم دو روز کار می‌برد ولی یک روز کار برد.
برگرفته از کتاب کیمیای محبت شامل خاطرات شیخ رجبعلی خیاط

## فتوشعر

## بریده کتاب

### نوآوری واقعی، حرکت از صفر به یک است!

شرکت‌های بسیاری گمان می کنند جوهره نوآوری، ساختن یک فیس بوک یا توسعه ویندوزی بهتر است اما این نوآوری نیست. این صرفا جهانی‌سازی است. نوآوری واقعی، حرکت از صفر به یک است؛ خلق چیزی عجیب که تاکنون هرگز دیده نشده است. بیل گیتس بعدی، سیستم عامل نخواهد ساخت؛ لری پیج و سرگئی برین بعدی، موتور جست‌وجو نخواهند ساخت؛ مارک زاکربرگ بعدی، رسانه اجتماعی نخواهد ساخت؛ اگر از آن‌ها تقلید کنید، چیزی از آن‌ها یاد نگرفته‌اید.
برگرفته از کتاب «از صفر به یک»، نوشته «پیتر تیل»

## داستانک

### پیرمرد و سرازیری کوچه!

کوچه ما سرازیری تندی دارد و پیرمردی هر روز در ابتدای کوچه، در انتهای سرازیری می‌نشیند و به من لبخند می‌زند. با خود می گویم امروز از او می‌پرسم به چه می خندی؟
از کوچه پایین آمدم، اما انگار او رفته بود. انگار سراشیبی را تمام کرده بود و باز لبخندی برای من به جا گذاشته بود.
کوچه ما هنوز سراشیبی تندی دارد، اما من دیگر نمی‌توانم تند تند پایین بیایم. گاهی که نفسم می‌گیرد، می‌نشینم و به بچه‌هایی که تند تند پایین می‌آیند می‌خندم. دیروز پسربچه‌ای از من پرسید بابابزرگ، چرا می خندی؟
زندگی کوتاه است و سریع‌تر از آن چیزی که می‌پنداریم خواهد گذشت.
برگرفته از وبلاگ داستان‌های کوتاه پندآموز

## اندکی صبر

### زندگی را با عشق...

زندگی جیره مختصری است
مثل یک فنجان چای
و کنارش عشق است
مثل یک حبه قند!
زندگی را با عشق
نوش جان باید کرد...
سهراب سپهری